

فرهنگ تحلیلی آثار

داستان نویسان گیلان

۱۲۸۸-۱۳۸۸



بهزاد موسایی

گیلان از جمله استان‌های کشور است که در بسیاری از عرصه‌های هنری، همواره پیشرو بوده است. ادبیات داستانی، یکی از این عرصه‌هاست. سوابق داستان نویسی و مستندات تاریخی موجود نشان می‌دهد که نویسندگان گیلانی نوشتن داستان کوتاه را پیش از محمدعلی جمال‌زاده (۱۳۰۰ ه. ق) تجربه کرده‌اند، نمونه‌ی این گونه داستان که بعدها جمال‌زاده را پیشوای آن دانسته‌اند، در سال ۱۲۸۷ ه. ق توسط «علی عمو»ی گیلانی تجربه شده بود. او طی دو سال، چهل و هشت داستان را با ذهنیتی مضمون‌یاب، همراه با به‌کارگیری واژگان بومی نوشت و آن را در ساختار داستان‌نویسی به شیوه‌ی مرسوم ارائه کرد؛ که شاید این امر، بیان‌گر آشنایی نویسنده با شیوه‌ی داستان‌نویسی غربی باشد و این مسئله به دور از هر گونه طرز تفکر شوونیستی از نظر تاریخی برای تاریخ ادبی گیلان، حائز اهمیت است.

بهزاد موسایی، پژوهشگر فقید گیلانی در این کتاب به بررسی تحلیلی آثار داستانی ارائه شده توسط نویسندگان گیلانی، در یک دوره‌ی صد ساله می‌پردازد.



فرهنگ ادبیا

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۰-۳۳۳-۷



9 789641 903437

۲۰ ۰۰۰ تومان



فرهنگ تحلیلی آثار
داستان‌نویسان گیلان

۱۳۸۸-۱۲۸۸

بهزاد موسایی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
ایران

سرشناسه: موسایی، بهزاد: ۱۳۹۳-۱۳۴۶.
 عنوان و پدیدآور: فرهنگ تحلیلی داستان نویسان گیلان ۱۳۸۸ - ۱۳۸۸
 بهزاد موسایی.
 مشخصات نشر: رشت: فرهنگ ایلپا، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری: ۶۰۰ ص.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۰-۳۴۳-۷
 موضوع: داستان نویسان ایرانی - گیلان - قرن ۱۴ - سرگذشتنامه.
 موضوع: داستان نویسان فارسی - ایران - گیلان - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد.
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ف ۴ م ۸ / PIR ۸۴۶۴
 رده‌بندی دیویی: ۱ / ۰۰۹ ف ۸
 شماره کتاب‌خانه ملی: ۳۳۹۲۴۸۸



فونک ایلپا

● فرهنگ تحلیلی آثار داستان نویسان گیلان ۱۳۸۸ - ۱۳۸۸

● بهزاد موسایی

● چاپ نخست: ۱۳۹۴ ● شمارگان: هزار نسخه ● شماره‌ی نشر: ۴۶۸

● حروف‌نگاری، ویرایش و آماده‌سازی: کارگاه نشر فرهنگ ایلپا

● همه‌ی حقوق این کتاب محفوظ است.

● شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۰-۳۴۳-۷

● نشر فرهنگ ایلپا: رشت، خیابان آزادگان، جنب دبیرستان دکتر بهشتی،

(خ صفايي)، خیابان حاتم، شماره ۴۹

● تلفن: ۳۳۳۴۴۷۳۲ ۳۳۳۴۴۷۳۲ - ۰۱۳ ● دورنگار: ۳۳۳۲۱۸۲۸ - ۰۱۳

Email: nashreilia@yahoo.com

www.farhang-eilia.ir

فهرست

پیش‌گفتار / ۱۷	اکبری، محمد ۸۹
پیشگامان داستان‌نویسی در گیلان / ۱۹	انسان‌صفت (ماسوله)، محمد ۹۰
آذر سروش، دلارام ۳۷	ایروان‌پور، مهسان ۹۲
آذر هوشنگ، احمد ۳۸	بابایی، علیرضا ۹۳
آرزومانیان، آلیس ۳۹	باران، ابراهیم ۹۴
آستانه‌ای، مهدی ۴۱	بافکر، قاسم ۹۶
آقائی ملومه، سیدقنبر ۴۳	بامهر، سحر ۹۷
آقازاده، محمد ۴۴	بدرطالعی، محمود ۹۸
ابراهیم‌زاده شیخانی، لادن ۴۶	بلندکردار، اکبر ۱۰۵
اختیاری دقیق، طاهره ۴۸	بوئینی، جمشید ۱۰۷
اخوان‌لنگرودی، مهدی ۴۹	بهبزادی، علی ۱۰۹
اسدی دارستانی، اسماعیل ۵۴	پارسی، علیرضا ۱۱۲
اسدی فرد، محسن ۵۵	پارسی، کوشیار ۱۱۴
اسکندری، ناهید (الف پژواک) ۵۶	پاینده‌لنگرودی، محمود ۱۱۶
اسماعیلی سالومحله، ابوالقاسم ۵۹	پورتقی، پوریا ۱۱۹
اصغری، حسن ۶۰	پورجعفری، محمدرضا ۱۲۱
اصلاحی، نزهت ۷۳	پورقربانی، کامیار ۱۲۷
اعتمادزاده، محمود (م. ا. به‌آذین) ۷۵	پورمحسن، مجتبی ۱۲۹
افراشته، محمدعلی ۸۴	پورنگ، شیوا ۱۳۲
	پویامهر، کاظم ۱۳۴

۱۹۳.....	چوبچیان، فریده	۱۳۵.....	پیرزاد، زویا
۱۹۹.....	حاکمی، عباس	۱۴۰.....	پیروزی، ابوالقاسم
۲۰۱.....	حسام، حسن	۱۴۲.....	پیغمبری، بهیه
۲۰۴.....	حسام، محسن	۱۴۷.....	تدین، عطاءالله
۲۱۰.....	حسن زاده کلاشمی، رسول	۱۴۹.....	تغابنی، سعید
۲۱۳.....	حسین پور، حمیدرضا	۱۵۳.....	تقوی ارجمند، مهوش
۲۱۴.....	حسین پور، محدثه	۱۵۴.....	تقوی گیلانی، محمدحسین
۲۱۵.....	حسین جانی، سیما	۱۵۵.....	تقی نژاد، اکبر
۲۱۶.....	حسین نیا، عبدالحمید	۱۶۰.....	ثامنی، نسرين
۲۱۷.....	حسینی گلگو، سیده مریم	۱۶۳.....	ثنایی احمدی، مانیا
۲۱۸.....	حسینی گوراب پسی، عزیز	۱۶۵.....	جامعی، هادی
۲۱۹.....	حقی پور، رحمت	۱۶۷.....	جاه طلب ضیابری، مهشید
۲۲۶.....	حقیقی، محمدحسین (طاهر غزال)	۱۶۸.....	جراح زاده، منوچهر
۲۲۹.....	حیدری ملک میان، فریدون	۱۷۰.....	جعفری، حسن
۲۳۲.....	خارابیان، ابراهیم	۱۷۱.....	جعفری نژاد صومعه سرائی، شراره
۲۳۳.....	خانجانی، کیهان	۱۷۳.....	جلالی، مانی
۲۳۵.....	خمامی، م. هاجر (منیزه)	۱۷۶.....	جم راد، فاطمه
۲۳۷.....	خوشحال، وجیهه	۱۷۹.....	جوادی زاده، آیدا
۲۳۸.....	خوش لقا، نادیا	۱۸۲.....	جوادی رودسری، سیده هادی
۲۴۰.....	خ، یکتا (خون گرم خوش، کبری)	۱۸۴.....	جواهری، جواد
۲۴۱.....	داداش زاده مرزونی، محمدرضا	۱۸۶.....	جهان پناه، زهره
۲۴۴.....	دادجوی، رضا	۱۸۷.....	چهری، محمدحسن
۲۴۶.....	دانش آراسته، مجید	۱۹۱.....	چراغی، رحیم

۳۱۴.....	ساجدین، سیداحمد.....	۲۵۹.....	داودی، مهدی.....
۳۱۶.....	ساحلی، مریم.....	۲۶۱.....	درویشی، علی.....
۳۱۸.....	سادات آشکوری، کاظم.....	۲۶۳.....	دلیر صابر، هاجر.....
۳۲۱.....	سحرخیز عربانی، کامران.....	۲۶۴.....	رابونیک، کبری.....
۳۲۴.....	سلحشور، یزدان.....	۲۶۷.....	رادی، اکبر.....
۳۲۵.....	شادرام، شادی.....	۲۷۰.....	رحمانی، آرش.....
۳۲۶.....	شاهچشمه، جلیل.....	۲۷۲.....	رحمتی، رقیه.....
۳۲۹.....	شریفی، فرحتاز.....	۲۷۳.....	رحیمزاده، مه کامه.....
۳۳۱.....	شفاعی، رضا (گیل آوایی).....	۲۷۷.....	رسولزاده، حسین.....
۳۳۴.....	شفیعی، زهرا.....	۲۷۹.....	رسولی، رحیم.....
۳۳۵.....	شفیعی، سیدضیاءالدین.....	۲۸۱.....	رضا، کاظم.....
۳۳۸.....	شمس لنگرودی، محمد.....	۲۸۳.....	رضاپور محمدی، سیدجلالالدین.....
۳۴۰.....	شمیسا، سیروس.....	۲۸۵.....	رضائی دارستانی، فرزانه.....
۳۴۶.....	شهبایان، شهلا.....	۲۸۸.....	رضایی راد، ساسان.....
۳۴۸.....	صابری علی نودهی، محمدرضا.....	۲۹۰.....	رضایی راد، محمد.....
۳۵۰.....	صاحبان زند، سجاد.....	۲۹۴.....	رفیعی پیشداد، حمید.....
۳۵۲.....	صاحبکار، زکریا.....	۲۹۶.....	رهبر، ابراهیم.....
۳۵۳.....	صدیقی، علی.....	۳۰۲.....	رهبر، فاطمه.....
۳۵۵.....	صدری علائی، علی رضا.....	۳۰۳.....	رهنما، شاهین.....
۳۵۸.....	صفاری، محمدعلی.....	۳۰۵.....	زکریازاده، حمیرا.....
۳۶۰.....	صوفی نژاد، حسین.....	۳۰۶.....	زمانی آشتیانی، محمدابراهیم.....
۳۶۲.....	صوفی نژاد سیویری، مسعود.....	۳۱۱.....	زمردی، مرضیه (چراغ سپهر).....
۳۶۳.....	طالبی، فرامرز.....	۳۱۳.....	زند، حسین.....

فرزاد هاشمی، سهیلا ۴۳۱	طاهباز، سیروس ۳۶۶
فرنام، نیلوفر ۴۳۳	طائفه، شجاع‌الدین ۳۶۸
فروغی، زهرا ۴۳۴	طلوعی، محمد ۳۷۰
فرهنگ‌فر، حسن ۴۳۶	طویلی، عزیز ۳۷۳
فکری ازگمی، عبدالله ۴۴۱	طیاری، محمود ۳۷۵
فیض امام‌دوست، الهام ۴۴۲	عابد، رضا (اصلان عابدی زاهد) .. ۳۸۰
فیض‌نیا، مریم ۴۴۳	عباداللهی، داریوش ۳۸۱
قاسمیان، عابدین ۴۴۴	عباسپور تمیجانی، محمدحسین ۳۸۳
قاسمی رحیم‌بیگلو، صفری ۴۴۵	عباسی، جمشید ۳۹۶
قانع، علی ۴۴۷	عشقی، بهزاد ۳۹۷
قدیمی حرفه، حمید ۴۵۰	علی‌پورگسکری، بهناز ۳۹۹
کاتب ازگمی، سکینه (شبنم) ۴۵۳	علیجانی، موسی ۴۰۲
کامیار، فرشاد ۴۵۴	علیزاده، مژگان ۴۰۴
کریمی، میرهادی ۴۵۶	علی‌عمو ۴۰۶
کشاورز، کریم ۴۶۰	عیسی‌زاده ماشینچی، افسانه ۴۰۸
کشکولی، قاسم ۴۶۴	غلام‌دوست، هادی ۴۱۰
کشور‌دوست، نعمت ۴۶۸	غلامی، فتح‌اله ۴۱۶
گرکانی، گیتا ۴۷۰	غیاثی، ناصر ۴۱۸
گلستانی، نینا ۴۷۵	فتاح، ساسان ۴۲۲
گیلانی، فریدون ۴۷۷	فتاحی، رها ۴۲۳
لاشایی، فریده ۴۷۹	فخریاسری، فرزین ۴۲۵
لرد، جمشید ۴۸۲	فخری‌نژاد، میرداوود ۴۲۸
لمعه، فرخ ۴۸۳	فرخی، فروزنده ۴۳۰

۵۳۴	مولائی، فریدا	۴۸۶	لمعه، منوچهر
۵۳۶	مهران فر، خزر	۴۸۸	میرهن غمگین، ابوالقاسم
۵۳۸	میرزایی پور، فاطمه	۴۹۰	محبوب کنفی، فرهاد
۵۳۹	نابت، برزو	۴۹۱	محبوب، میرجلیل
۵۴۱	نامجو، فرزانه	۴۹۳	محرمزاده، ناتاشا
۵۴۲	نامجو، فرشته	۴۹۵	محسنی آزاد، پوروین
۵۴۳	نجدی، بیژن	۴۹۹	محمدی پاشاک، محمدرضا
۵۴۶	نجفی، کیومرث	۵۰۴	محمدی نیاکان، حمیرا
۵۴۸	نژادبخش، اصغر	۵۰۵	مرتاض هجری، محمدتقی
۵۴۹	نظری ملومه، خسرو (فاخته)	۵۰۷	مرتضاییان آبکنار، حسین
۵۵۲	نوروزی پور، حسین	۵۱۰	مستوفی، علی (احمد صادق)
۵۵۵	نوزاد، سیامک	۵۱۳	مسعودی، احمد
۵۵۷	وحدتی، ناصر	۵۱۷	مسعودی، محمود
۵۶۲	وقردوست، هوشنگ	۵۲۰	مشایخی، سینا
۵۶۵	هامونی، کاوه (نوروز)	۵۲۲	مصطفوی، مجید
۵۶۸	یعقوبی، سمیرا	۵۲۳	معصوم نژاد، شهلا
۵۶۹	یقیکیان، گریگور	۵۲۵	معصومی، علی اصغر
۵۷۲	یوسفی، پیام	۵۲۷	معینی لشکرجان، حسین
۵۷۳	یونسی رستمی، محمدتقی	۵۲۹	مقدسیان، نرگس
۵۷۵	نمایه آثار	۵۳۰	منیرزاد، غلامحسین
		۵۳۲	موسوی، آناهیتا



پایگاه اطلاع رسانی و فروش اینترنتی

www.artguilan.ir

مرکز پخش: ۰۱۳ ۳۳۳۴۵۵۷۱

یادداشت حوزه هنری گیلان

گیلان از جمله استان‌های کشور است که در بسیاری از عرصه‌های هنری، همواره پیشرو بوده است. ادبیات داستانی، یکی از این عرصه‌هاست. سوابق داستان‌نویسی و مستندات تاریخی موجود، نشان می‌دهد که نویسندگان گیلانی، نوشتن داستان کوتاه را پیش از محمدعلی جمال‌زاده (۱۳۰۰ ه.ق) تجربه کرده‌اند. نمونه‌ی این گونه داستان که بعدها جمال‌زاده را پیشوای آن دانسته‌اند، در سال ۱۲۸۷ ه.ق، توسط «علی‌عمو»ی گیلانی تجربه شده بود. او طی دو سال، چهل و هشت داستان را با ذهنیتی مضمون‌یاب، همراه با به‌کارگیری واژگان بومی نوشت و آن را در ساختار داستان‌نویسی به شیوه‌ی مرسوم ارائه کرد؛ که شاید این امر، بیان‌گر آشنایی نویسنده با شیوه‌ی داستان‌نویسی غربی باشد و این مسأله به دور از هر گونه طرز تفکر شوونیستی (تفکر افراطی و ستیزه‌جویانه در میهن‌پرستی) از نظر تاریخی، برای تاریخ ادبی گیلان حائز اهمیت است.

نویسندگان نسل اول داستان‌نویسی گیلان، در عرصه‌ی ادبیات داستانی، آن قدر مؤثر بوده‌اند که نادیده انگاشتن ردپای آن‌ها در تاریخ داستان‌نویسی، منصفانه به نظر نمی‌رسد. همچنین با بررسی روند داستان‌نویسی، می‌توان تأثیر نسل‌های بعدی نویسندگان گیلانی را نیز در این خصوص دریافت.

بهزاد موسایی، داستان‌نویس و محقق ادبیات داستانی گیلان، در این اثر کوشیده است نسل‌های مختلف نویسندگان این خطه و آثارشان را معرفی کند. وی ابتدا، مقاطع تاریخی داستان‌نویسی، گیلان را از سال ۱۳۲۸ به بعد به صورت دهه‌های مختلف تشریح می‌کند؛ سپس، به ترتیب حروف الفبا، نویسندگان این مقطع صدساله را (۱۲۸۸ - ۱۳۸۸) معرفی و آثارشان را تحلیل می‌نماید.

در این اثر علاوه بر نویسنده، ناشر محترم نیز در ویراستاری و آماده‌سازی کتاب تلاش بسیاری به خرج داده‌اند که جا دارد سپاسگزار ایشان باشیم.

در کمال تأسف در آخرین روزهای آماده‌سازی این اثر برای نشر، بهزاد موسایی، پژوهشگر سخت‌کوش گیلانی، طی یک حادثه‌ی رانندگی درگذشت. بی‌شک فقدان او ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر برای فرهنگ و ادب گیلان است.

حوزه هنری گیلان، ضمن ارج نهادن به زحمات این نویسنده‌ی فقید و ابراز همدردی با خانواده ایشان، کتاب حاضر را به علاقه‌مندان ادبیات داستانی گیلان تقدیم می‌کند.

پیش‌گفتار

از زمان پیدایش نخستین نمونه‌های ادبیات داستانی گیلان در روزنامه‌ی خیرالکلام به قلم علی‌عمو (۱۲۸۸) تا به امروز (۱۳۸۸)، نویسندگان گیلانی آثار متعددی پدید آورده‌اند که پژوهش در آن‌ها روشنگر نکته‌های جالبی درباره‌ی ادبیات اقلیمی، روانشناسی اجتماع و تاریخ فرهنگ معاصر است.

کتاب حاضر، که به داستان‌نویسان گیلانی اختصاص یافته، در برگیرنده‌ی آثار ۲۱۵ نویسنده در حوزه‌ی ادبیات داستانی است. فهرست نویسندگان بر مبنای الفبا تنظیم شده است و پس از آوردن بیوگرافی کوتاه و نام اثر و سال چاپ آن، تحلیلی گذرا بر آن نگاشته شده است.

در فرهنگ حاضر، کوشیده‌ایم نام هیچ داستان‌نویسی، هرچند کم‌اهمیت، از قلم نیفتد. اگر در این فرهنگ‌نامه، نام یا اثری از چند نویسنده خالی است، باید دلیل آن را به حساب محدودیت‌هایی گذاشت که دامنگیر نگارنده بوده است. امیدوارم فرصتی دیگر دست بدهد تا در مجموعه‌هایی دیگر، از این نویسندگان نام و یا اثری به چاپ برسد. ناگفته نماند که نویسندگان داستان‌کودکان به این فرهنگ‌نامه راه نیافته‌اند مگر کسانی که بر ادبیات بزرگسالان تأثیر نهاده‌اند.

در کتاب حاضر، با مراجعه به نویسندگان و یا آثارشان، آخرین

اطلاعات راه یافته به این فرهنگ ثبت شده است. کتاب یک دوره‌ی صدساله را در بر می‌گیرد و نویسندگانی که نخستین اثر خود را پس از سال ۱۳۸۸ منتشر کرده‌اند، در این فرهنگ نیامده‌اند. در مورد نویسندگان راه‌یافته به این کتاب، کوشیده‌ایم آخرین اطلاعات - مثلاً فهرست آثار تا پایان سال ۱۳۹۲ - را گرد آوریم.

در خاتمه، جا دارد از محبت‌های بی‌دریغ آقایان محمدتقی پوراحمد جکتاجی، مدیر محترم نشر گیلکان رشت، که برخی از منابع این فرهنگ‌نامه را از راه لطف در اختیار نگارنده قرار داده‌اند، و همچنین پرویز حسینی، مجید روانجو، مجید دانش‌آراسته، محمود طیاری، حسن میرعابدینی، فریدون نوزاد، هادی میرزائزاد موحد و زنده‌یاد اکبر رادی و محمود اعتمادزاده (م، الف، به‌آذین) و نویسندگانی که زندگینامه‌ی خود و آثارشان را برایم فرستادند؛ سپاسگزاری کنم.

هم‌شان بلند و روزگار به کامشان باد.

بهزاد موسایی

پیشگامانِ داستان‌نویسی جدید در گیلان (۱۳۸۸ - ۱۲۸۸)

تحلیل و طبقه‌بندی داستان‌نویسی معاصر ایران از منظر «منطقه‌گرایی»، محدودیت‌هایی را به همراه دارد و شماری از اهل نظر نیز به دلایلی با آن موافق نیستند. با این همه، شیوه‌ای است برخوردار از امتیازهایی درخور و غیر قابل انکار. این مقدمه می‌کوشد از همین منظر، شمایی از داستان‌نویسی و داستان‌نویسان شمال ایران به دست دهد و در چند و چون عناصر و عواملی که تشخیص داستان‌نویسی این منطقه بر آن استوار است، سخنی به میان آورد. باور دارم هرگونه رویکرد به هنر و ادبیات خاص یک منطقه اگر به دور از پیش‌داوری، گرایش‌های شوونیستی و خاصه افراط‌کاری‌های ناسیونالیستی نباشد، حاصل کار از بیانیه‌ای سطحی در نمی‌گذرد، و امیدوارم در این جستار از جمله‌ی این آفات برکنار بوده باشم.

از منظر منطقه‌گرایی و ادبیات اقلیمی، داستان‌نویسی ایران به چند بخش عمده قابل تقسیم است: شمال، جنوب و مرکز، که هر یک از این مناطق به لحاظ ویژگی‌های زیستی، آداب و رسوم و باورها و... با منطقه‌ی دیگر اختلاف‌های اساسی دارد. هنگامی که ویژگی‌های خاص یک منطقه در اثری انعکاس می‌یابد، با اثری دیگر که شاخصه‌های منطقه‌ای دیگر را بازتاب می‌دهد، متمایز می‌شود و در نهایت این وجوه ممیزه ملاکی به دست می‌دهند که برای تحلیل و نقد می‌تواند راهگشا باشد.

مسعود یامین از این منظر داستان‌نویسی خوزستان را مورد بررسی قرار داده و ویژگی‌ها و شاخصه‌های داستان‌نویسی این منطقه را با نگاهی تحلیلی بر شمرده است [۱] اما تا امروز کسی با این دید سراغ داستان‌نویسی «مرکز» نرفته است.

گفتنی است اثر یا آثاری که با این دیدگاه زیرمجموعه‌ی یکی از این مناطق، مثلاً جنوب، قرار می‌گیرد، منحصر به نویسندگانی نیست که زادگاه و خاستگاه آنان جنوب است. چه بسا اثر نویسنده‌ای شمالی، شاخصه‌های ادبیات جنوب را داشته باشد، یا اثر نویسنده‌ای تهرانی با ویژگی‌های داستان‌نویسی شمال منطبق باشد و نمونه‌هایی از این دست اگرچه اندک شمارند، ولی درخور تأمل و برجسته‌اند. نمونه‌هایی مانند: «گیله‌مرد» اثر بزرگ علوی (تهران)، «مد و مه» اثر ابراهیم گلستان (شیراز)، «ترس و لرز» اثر غلامحسین ساعدی (تبریز) و ...

محدوده‌ی نگاه در این نوشتار نویسندگانی را در برمی‌گیرد که خاستگاه آنان شمال است و پرورش‌یافته‌ی این اقلیم‌اند، و آثاری به‌صورت کتاب یا چاپ شده در نشریات از آنان در دست است [۲]. بعضی از نویسندگان پس از مدتی داستان را رها کرده‌اند و به فعالیت در زمینه یا زمینه‌های دیگر پرداخته‌اند (کریم کشاورز، محمدعلی افراشته، اکبر رادی، کاظم سادات‌اشکوری) و شماری نیز پس از سال‌ها قلم‌زدن، نوشتن را به کناری نهاده و کنج عزلت اختیار کرده‌اند. از این شمار بودند کسانی که عمر داستان‌نویسی‌شان چنان کوتاه بود که به ارائه‌ی اثری مثال زدنی توفیق نیافتند (اسماعیل خسرومرادی، احمدرضا دریایی و ...) و کسانی که باری به هر جهت از قافله‌ی همیشه رونده‌ی داستان معاصر بازماندند (بهمن سنجرقانی و ...) و کسانی که به تبعیدی خود خواسته تن

دادند. هرچند از این جمله تعدادی دغدغه‌ی نوشتن را نیز با خود همراه بردند و در آن سوی آب‌ها هم‌چنان نویسا هستند (مهدی اخوان لنگرودی، محسن حسام، حسن حسام، هادی جامعی، محمود مسعودی، جواد جواهری، کوشیار پارسی، کاوه هامونی و ...) و سرآخر نویسندگانی که روی در نقاب خاک کشیدند و از آن‌ها تنها یادى مانده است و آثاری به یادگار (احمد مسعودی، امیر منتظمی، فرهاد غبرایی، علی ماتک و ...).

برخلاف آنچه پیش‌تر گمان می‌رفت، ادبیات داستانی شمال، نه با داستان «خواب» کشاورز که با داستان‌های «علی عمو» آغاز می‌شود. این گمان‌شکنی مرهون رحیم چراغی و مقاله‌ی تأمل‌برانگیز «سندی از داستان‌نویسی ایران پیش از سیدمحمدعلی جمال‌زاده» [۳] است که افق داستان‌نویسی ایران (و به تبع آن اقلیم شمال) را به ۱۳۲۷ ه‍.ق / ۱۲۸۸ خ گسترش می‌دهد.

در این مقاله اشاره می‌شود که علی عمو از قصه‌واره‌هایی حدفاصل طنز و داستان کوتاه آغاز می‌کند و به کارنامه‌ای پُربار مشتمل بر چهل و هشت داستان کوتاه می‌رسد. داستان‌هایی که «در فاصله‌ی زمانی دو سال نوشته شده‌اند» و به روشنی بیانگر آشنایی ژرف داستان‌نویس با دستاوردهای داستان‌نویسی اروپا هستند.

«توانایی‌های بالقوه و بالفعل قصه‌نویس در مجموعه داستان‌های به‌جا مانده از او نشان می‌دهد که چنان‌چه از شرایط زمانی و موقعیت و امکانات اجتماعی سیدمحمدعلی جمال‌زاده برخوردار می‌بود؛ بیشتر از او - هم‌چنان که پیش‌تر از او - در این عرصه مطرح می‌شد». چراغی به نشر مدرن، ذهنیت مضمون‌یاب، نوآوری در به‌کارگیری واژه‌های بومی و کاربرد طبیعی و هنرمندانه‌ی آن‌ها، استفاده از دیالوگ گیلکی و نکاتی دیگر اشاره

می‌کند و با توجه به مدرنیسم مبتنی بر بدایع داستان‌های علی - عمو، از این داستان‌ها به عنوان حادثه‌ای در آغاز داستان‌نویسی ایران یاد می‌کند.

این داستان‌ها در نشریه‌ای به نام خیرالکلام که به مدیریت «افصح‌المتکلمین» در زمان مشروطه منتشر می‌شد، به چاپ می‌رسید و آنچه این جا مورد نظر است، در اصل متقدم بودن علی عمو بر کریم کشاورز است.

بر این اساس می‌توان حدس زد که کشاورز در زمینه‌ی نشر و افراشته در حیطه‌ی طنز متأثر از علی عمو و داستان‌های او بوده‌اند، و با گسترش این گمانه می‌توان به مرادده‌ی فکری آن‌ها نیز رأی داد. چه این که از نظر سنی و دوره‌ی تاریخی با هم معاصر بوده‌اند و افزون بر این میان آغاز انتشار داستان‌های علی عمو (۱۲۸۸)، با نخستین داستان کشاورز (۱۲۹۸) تنها یک دهه فاصله بوده است.

نویسندگانی هم بوده‌اند که از ۱۲۸۸ تا ۱۳۲۸ اثر یا آثاری ارائه داده‌اند: علی عمو، کریم کشاورز، محمدعلی افراشته، محمود اعتمادزاده (م. ا. به آذین)، علی مستوفی (احمد صادق) و محمدعلی صفاری، که البته فعالیت‌های سیاسی‌شان بر داستان‌نویسی‌شان می‌چربید.

در دهه ۳۰ و ۴۰ نویسندگانی دیگر موفق به تثبیت خود به عنوان داستان‌نویس می‌شوند: محمود طیار، مجید دانش‌آراسته، ابراهیم رهبر، اکبر رادی، حسن حسام، محمدرضا پورجعفری، هادی جامعی، احمد مسعودی، حمید قدیمی‌حرفه، عباس حاکی، محمدحسن جهرمی، احمد آذره‌وشنگ و....

از آغاز دهه‌ی پنجاه تا اواخر دهه‌ی هفتاد داستان‌نویسانِ دیگر اثر یا آثاری منتشر کرده‌اند مانند: منوچهر جراح‌زاده، کاظم سادات‌اشکوری،

محسن حسام، سیروس شمیسا، محمود بدرطالعی، فرامرز طالبی، حسن اصغری، محمد شمس‌لنگرودی، مهدی اخوان‌لنگرودی، بیژن نجدی، پورویں محسنی‌آزاد، قاسم کشکولی، موسی علیجانی و....

و بعد از این چند دسته، نویسندگان دیگری فعالیت ادبی‌شان را در دو دهه‌ی هفتاد و هشتاد و حتا پیش از آن شروع کردند، ولی در نیمه‌ی دوم دهه‌ی هفتاد حضور خود را به صورت جدی و عموماً از طریق ویژه‌نامه‌ها و نشریات ادبی به اثبات رسانده‌اند. اگر بخواهیم به چند نام اشاره کنیم می‌توانیم از: حسین مرتضائیان آبکنار، هادی غلام‌دوست، ابوالقاسم مبرهن، حسن فرهنگ‌فر، حسین نوروزی‌پور، کیهان خانجانی، اکبر تقی‌نژاد، یزدان سلحشور، مه‌کامه رحیم‌زاده، بهناز علی‌پورگسکری، فرحناز شریفی و بسیاری دیگر که از حوصله این مطلب خارج است، نام ببریم. دهه‌ی چهل و دو دهه‌ی هفتاد و هشتاد با توجه به متغیرهایی چون اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، نسبت به دهه‌های دیگر پربار می‌نماید.

در نیمه‌ی دوم دهه‌ی چهل است که محمدتقی صالح‌پور روزنامه‌نگار فعال و سرشناس این خطه، نشریه‌ی بازار ویژه‌ی هنر و ادبیات (۱۵ خرداد ۱۳۴۴) را منتشر می‌کند و علاوه بر بازتاب ادبیات مناطق دیگر (ادبیات ناحیه‌ای) به معرفی نویسندگان شمالی نیز می‌پردازد.

بازار ویژه‌ی هنر و ادبیات، هم‌چون نشریه‌ی «خوشه»، نشریه‌ای است که به داستان‌های بوم‌گرایانه توجه نشان می‌دهد و نویسندگانی که بر پایه‌ی علائق سیاسی - اجتماعی زادبوم خود را دست‌مایه‌ی داستان‌نویسی قرار می‌دهند. در این نشریه مجالی برای عرضه‌ی آثار خود فراهم می‌بینند. داستان‌هایی از این دست که صبغه‌ی اقلیمی در آن‌ها بارز است، در این

دهه از آمار درخور توجهی برخورداراند، اما از این مجموع، نام بردن از اثری که به لحاظ کیفی مثال‌زدنی باشد ساده نخواهد بود. با این همه داستان‌های مجید دانش‌آراسته، ابراهیم رهبر، و حسن حسام از داستان‌های دیگری که در بازار به چاپ رسیده تأمل‌برانگیزتر و هنری‌تر است.

در نگاهی کلی، سیر ۱۰۰ سال داستان‌نویسی شمال را می‌توان به صورت نمودار زیر نشان داد:

سیر داستان‌نویسی گیلان

۱۲۸۸-۱۳۲۸

۱۳۲۸-۱۳۳۸

۱۳۳۸-۱۳۴۸

۱۳۴۸-۱۳۵۸

۱۳۵۸-۱۳۶۸

۱۳۶۸-۱۳۷۸

۱۳۷۸-۱۳۸۸.

تبیین و شرح این نمودار مجالی فراخ‌تر می‌طلبد، با این همه به لحاظ اهمیت موضوع، صرفاً به نمودار بسنده نمی‌کنم و به اجمال به بررسی دهه‌های یاد شده می‌پردازم و تأکید می‌کنم که این مجمل هرگز ادعا ندارد تصویری روشن و جزءنگر از چند و چون داستان‌نویسی شمال به دست می‌دهد.

۱۲۸۸-۱۳۲۸

چنان که پیش‌تر نیز اشاره شد، آغازگر داستان مدرن علی عمو است، که پس از او کریم کشاورز و محمدعلی صفاری این روند را پی می‌گیرند.

کشاورز هرچند اثری قابل توجه ارائه نمی‌دهد ولی با در نظر گرفتن زمانی که داستان معاصر هنوز چندان استوار نشده و پاورقی‌نویسان رمانتیک متولی داستان‌نویسی بودند، کتاب «آدم‌ها و ماجراهای کوچی نو» (۱۳۱۳) او پیشرو و معاصر می‌نماید، و این جدا از سهمی است که کشاورز با ترجمه‌های خود، در تکامل داستان و تحول نثر معاصر به خود اختصاص داده است. مرتبه و جایگاه این ترجمه‌ها چندان بلند است که محمدعلی سپانلو اذعان می‌دارد: «این آثار ترجمه شده به نفسه، خود اثر ادبی فارسی محسوب می‌شوند» [۴].

محمدعلی صفاری، دیگر داستان‌نویس گیلانی است و تنها اثرش که داستانی تاریخی از وقایع گیلان (زندگی خان‌احمد گیلانی آخرین حکمفرمای کیایی لاهیجان) است را به سال ۱۳۱۰ با عنوان «خان گیلان» چاپ می‌کند.

در همین برهه است که محمدعلی افراشته (۱۳۳۸ - ۱۲۸۷) در کنار شعر، روزنامه‌نگاری و... داستان‌هایی نیز به چاپ می‌رساند. افراشته در ۱۳۳۱ با محمدامین محمدی (طوطی) مشترکاً مجموعه داستان «مکتب نو» را منتشر می‌کند و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، رهسپار بلغارستان می‌شود و همان‌جا نیز در می‌گذرد. او در سال‌های پایانی عمر تصمیم می‌گیرد مجموعه‌ای از داستان‌های طنزآمیز خود را که در روزنامه‌ی استرشل (زنبور قرمز) به زبان بلغاری نوشته بود، گردآوری و با عنوان «دماغ شاه» منتشر کند که مجال نمی‌یابد و بیماری او را از پا در می‌آورد. این مجموعه پس از مرگ افراشته در سال ۱۳۳۸ ش / ۱۹۵۹ م، به کوشش «دیمتر بلاگوئف» (طنزنویس بلغاری) در صوفیه منتشر می‌شود و پنجاه سال پس از درگذشت محمدعلی افراشته، مجموعه‌ی «دماغ شاه» به

کوشش راقم این سطور، در سال ۱۳۸۸ در رشت انتشار می‌یابد. محمود اعتمادزاده (به‌آذین) (۱۲۹۳ رشت - ۱۳۸۵ تهران)، مهم‌ترین اثر خود، رمان «دختر رعیت» را در سال ۱۳۲۷ منتشر می‌کند [۵]. این رمان که رخدادهای حماسی تاریخی نهضت جنگل زمینه‌ی آن است، از شمار نخستین رمان‌های تاریخی (Historical novel) در سنت رمان فارسی محسوب می‌شود و به پیدایی و استواری این ژانر کمک شایانی کرده است.

به‌آذین با مجموعه داستان «پراکنده» (۱۳۲۳) داستان‌نویسی را آغاز می‌کند، که در این مجموعه هنوز از فضای مسلط بر ادبیات داستانی آن زمان که نوعی رمانتیکسم سطحی است، خارج نشده است. با مجموعه داستان «به سوی مردم» (۱۳۲۷) است که وارد حوزه‌ی داستان‌نویسی جدی می‌شود و واقعیت‌های جامعه را دست‌مایه‌ی کار خود قرار می‌دهد. نقش پرند (۱۳۳۴)، مهری مار (۱۳۴۴)، شهر خدا (۱۳۴۹)، از آن سوی دیوار (۱۳۵۱)، مهمان این آقایان (۱۳۵۷)، مانگدیم و خورشیدچهر (۱۳۶۹)، سایه‌های باغ (۱۳۷۷)، چال (۱۳۸۵) و رمان ناتمام «خانواده‌ی امین‌زادگان»، که هنگام همکاری با نشریه‌ی صدف در آن نشریه چاپ می‌کرده، از دیگر آثار اوست.

به‌آذین علاوه بر فعالیت در زمینه‌ی داستان‌نویسی، به روزنامه‌نگاری و ترجمه نیز پرداخت. او سابقه‌ی همکاری با نشریه‌ی صدف و سردبیری مجلات کتاب هفته (۱۳۴۲) و پیام‌نوین (۱۳۴۷) را در کارنامه‌ی خود دارد و نیز در سال‌های ۶۱-۱۳۵۶ هفته‌نامه‌های سوگند و اتحاد مردم، با مسئولیت وی منتشر می‌شود.

هم‌چنین ترجمه‌ی آثاری از شکسپیر، رولان، بالزاک، شولوخوف و...

کارنامه‌ی او را پربارتر کرده است. مجموعه‌ی دو جلدی «از هر دری» (۱۳۷۱) و «بار دیگر و این بار» (۶۹ تا ۱۳۶۱) که قسمتی از خاطرات او را در برمی‌گیرد دیگر اثر منتشر شده‌ی اوست.

علی مستوفی (احمد صادق) روزنامه‌نویس و مترجم فعال دهه‌ی ۲۰ در سال ۱۳۰۶ در رشت متولد شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مجبور به جلا‌ی وطن و اقامت در ژنو شد و در همان‌جا فعالیت‌های خود را پی گرفت. علاوه‌بر مجموعه داستانی که به زبان فرانسه منتشر کرد، کتاب‌های «خورشید می‌دمد» و «سراب و امید» را در اواخر دهه‌ی ۴۰ در مونیخ به فارسی به چاپ سپرد.

در این دوره فعالیت ارامنه در قلمرو داستان‌نویسی جایگاه ویژه‌ی خود را می‌یابد و این نوشتار بدون یادکرد این اقلیت بی‌بیاوه و همیشه فعال کامل نخواهد بود. گریگور یقیکیان (۱۲۵۹ - ۱۳۲۹) از ارامنه‌ی مقیم رشت و یکی از بزرگان ادبیات نمایشی ایران از آن جمله است. او آثار خلاق و زیبایی پدید آورد که اجرای شماری از این آثار برای همیشه در حافظه‌ی تئاتر گیلان خواهد ماند. یقیکیان در زمینه‌ی داستان (خاصه داستان‌های تاریخی) و ترجمه‌ی رمان (از زبان‌های ارمنی و روسی) نیز آثاری منتشر کرده است. غالب داستان‌های یقیکیان چه به‌صورت کتاب و چه به‌صورت پاورقی در نشریات تهران و یا ضمیمه‌ی روزنامه‌ی ایران کنونی به صاحب‌امتیازی خود او، طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۹ منتشر شده است. بیشتر وقایع داستان‌های یقیکیان در کشور عثمانی می‌گذرد و محور اصلی تمام آثارش «زن» و جایگاه او است. آثاری چون: شب عید نوروز (۱۳۰۸)، شوهر سوم (۱۳۰۸)، سلیمه (دو جلد ۱۳۰۹)، صابیره (دو جلد)، دختر قشنگ، آیدا و رمان گیله دختر (۱۳۲۴) که متأثر از وقایع

نهضت جنگل بود، در روزنامه‌ی هور آمریکا به چاپ رسیده‌است. در مجموع، ویژگی‌های آشکار و پنهان داستان‌های این دوره عبارت است از: تأثیر (و در مواردی حتی تقلید) از ادبیات روسیه و فرانسه، تبلیغ مرام اشتراکی، نثر ژورنالیستی، طنز اجتماعی، تصاویر رقت‌انگیز از فقر و نابسامانی‌های روستا و روستاییان، گزارش تک بعدی و جانبدارانه از مظلومیت طبقه‌ی کارگر و ستم حکام (برابر با الگوی رئالیسم سوسیالیستی)، فقر آشکار و مسلط به لحاظ فرم و ساخت هنری و رجحان محتوا و پیام اخلاقی - اجتماعی - سیاسی. شاید بتوان یگانه شاخص مثبت این آثار را در «مضامین آگاهی‌بخش در زمینه‌های اجتماعی» آن‌ها جست.

۱۳۳۸ - ۱۳۲۸

در این دهه چهره‌های جوانی چون اکبر رادی، محمود طیاری، مجید دانش‌آراسته، هادی جامعی و... پا به عرصه‌ی داستان‌نویسی می‌گذارند و امیدهایی را با خود به همراه می‌آورند. نویسندگانی که در دهه‌های بعد (۱۳۴۰) تثبیت می‌شوند.

اکبر رادی (۱۳۱۸ رشت - ۱۳۸۶ تهران)، نخستین داستان خود را با نام «موش مرده» در سال ۱۳۳۵ در کیهان چاپ می‌کند. داستانی که نه نام و افتخاری با خود به همراه آورد و نه رضایتی معمول برای نویسنده. ولی دومین داستان، هم شهرت و هم رضایت‌مندی برای نویسنده‌ی جوان به همراه دارد. و مهم‌تر از این دو، سرمشقی می‌شود برای نویسندگان جوان شمالی. این داستان کوتاه که با عنوان «باران» در مجله‌ی اطلاعات جوانان (۱۳۳۸) چاپ می‌شود، جایزه‌ی اول مسابقه‌ی داستان‌نویسی آن مجله را از آن خود می‌کند. اهمیت انتخاب این داستان را مرتبه و منزلت

انتخاب‌کنندگان (سعید نفیسی، رضا سیدحسینی، بهرام صادقی، دکتر علی‌اصغر صدر حاج‌سیدجوادی و دکتر حسن صدر حاج‌سیدجوادی) دو چندان می‌کند.

«باران» و توفیق حاصل از آن، «نوشتن» را دغدغه‌ی اصلی رادی می‌کند، چنان‌که به طنز در مورد این جایزه می‌گوید: «به هر ترتیب آن جایزه تخم‌لقی شکست و موجب ارتکاب سیاه‌مشق‌های دیگری هم در این زمینه شد، و من داستان‌های متعددی نوشتم و تک و توک در مجلات و مجنگ‌های ادبی به چاپ دادم» [۶].

رادی در سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ دو داستان بلند با نام‌های «مسخره» و «افسانه‌ی دریا» نوشت که هرگز تن به چاپ آن‌ها نداد.

نخستین داستان مجید دانش‌آراسته (۱۳۱۶ رشت)، با عنوان «این یکی آخریه» در سال ۱۳۳۶ و در نشریه‌ی پرچم خاورمیانه (جنوب) به چاپ رسید. او خود معترف است که «در آغاز نگاهش به زندگی احساسی بوده» چنان‌که پس از چاپ نخستین داستان «و شادی کوتاه حاصله» پشیمان شد و دیگر هرچه می‌نوشت، می‌دید «این آن نیست که من دنبالش هستم» [۷]. با این همه داستان را به‌طور جدی پی‌گرفت و یکی از چهره‌های شناخته‌شده‌ی داستان معاصر شد.

محمود طیاری (۱۳۱۷ / رشت)، از جمله نویسندگان جدی و فعال داستان و نمایش‌نامه‌ی شمال است که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ توجه‌ها را به خود برانگیخت. در سال ۱۳۳۸ با داستان کوتاه «در پای درخت نارنج» که در نشریه‌ی بامشاد به چاپ رسید، به جامعه‌ی ادبی ایران معرفی شد.

هادی جامعی (۱۳۱۵ / رشت) نیز داستان‌نویسی را با چاپ داستان «سرکار سرپاس» در سال ۱۳۳۷ در مجله‌ی فردوسی آغاز می‌کند.

آثار جوانان نوقلم دیگر هم از سطح قطعه‌ی ادبی و داستان‌های متعارف نویسندگان یادشده، قدمی فراتر نمی‌گذارد و تا پایان این مقطع داستان «باران» رادی هم چنان بی‌رقیب و بی‌همتا باقی می‌ماند. از جمله ویژگی‌های قابل اعتنای این مقطع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- توجه بیشتر به نثر داستان، به عنوان یکی از عناصر مهم این هنر.
- ارائه‌ی محیط و فضایی ملموس و واقعی‌تر (نسبت به توصیف‌های انشأوار که رایج شمرده می‌شد).
- احساس مسئولیت نویسنده در قبال شأن داستان و داستان‌نویسی (جای آشکارگی تعهد مرامی در داستان‌های متقدم).

۱۳۴۸ - ۱۳۳۸

نویسندگان نوقلم مقطع پیش، چهره‌های شاخص این دهه می‌شوند. طیار، نویسنده‌ی فعالی است که «خانه‌ی فلزی» (۱۳۴۱)، «طرح‌ها و کلاغ‌ها» (۱۳۴۴) و «کاکا» (۱۳۴۶) را منتشر می‌کند. نگاه و زبان شاعرانه‌اش مقلدان و خوانندگان بسیاری پیدا می‌کند. چنان‌که «پس از انتشار "طرح و کلاغ‌ها" نویسندگانی به قطعه‌نویسی روی آوردند - مثلاً "تنکابنی" در یادداشت‌های شهر شلوغ - اما هیچ‌کدام به پوشیدگی و ظرافت کارهای طیار دست نیافتند» [۸].

اکبر رادی که در مقطع پیشین خوش درخشیده بود، نوشتن را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کند و موفق به ارائه‌ی چند اثر زیبا در این دهه می‌شود که از آن شمار است: «جاده» (اطلاعات جوانان / ۱۳۳۹)، «سوءتفاهم» (فردوسی / ۱۳۳۹)، «کوچه» (سخن / ۱۳۳۹) و هم‌چنین چاپ

چند و نقد و داستان در مجله‌ی آرش، هنگامی که با این مجله همکاری داشت (۱۳۴۲).

رادی که از همان آغاز فعالیت ادبی به نمایش و نمایشنامه‌نویسی توجه خاصی داشت، در این دهه به نوشتن چند نمایشنامه‌ی موفق می‌پردازد که توفیق روزافزون و اقبال عمومی و نخبگان ادبیات ایران، کم‌کم فاصله‌ی او را با «نوشتن» داستان بیشتر می‌کند؛ چنان‌که از همین مقطع به‌عنوان نمایشنامه‌نویسی مستعد و اصیل به جامعه‌ی ادبی ایران معرفی می‌شود.

نمایشنامه‌های منتشر شده‌ی رادی در این دهه به قرار زیر است:

«روزنهی آبی / ۱۳۴۱»، «افول / ۱۳۴۳»، «محاق / ۱۳۴۴»،
«مسافران»، «مرگ در پاییز» و «از پشت شیشه‌ها» (جملگی در پیام نوین / ۱۳۴۵)، «ارثیه‌ی ایرانی / ۱۳۴۷» و «صیادان / ۱۳۴۸».

گفتنی است که محمود طیاری نیز در این مقطع به نوشتن و عرضه‌ی آثاری در این زمینه روی می‌آورد، ولی هم‌چنان به‌عنوان چهره‌ای «داستان‌نویس» در حافظه‌ی مخاطبان خود باقی می‌ماند.

نویسنده‌ی دیگری که در این دهه با حضور خود داستان‌نویسی این منطقه را پربارتر می‌کند، ابراهیم رهبر است. رهبر که متولد ۱۳۱۷ صومعه‌سرا است، با داستان کوتاه «مرغزار» که در سال ۱۳۴۳ در طرفه به چاپ می‌رسد، داستان‌نویسی را به‌صورت جدی آغاز می‌کند و پس از آن نیز با چاپ داستان‌هایی (درختان لیلکی، کشور، شمد، یک صبح... در بازار) در نشریاتی چون اندیشه و هنر، آرش، فردوسی و... موفق به تثبیت خود در عرصه‌ی ادبیات داستانی شمال می‌شود.

مجید دانش‌آراسته نیز که نوشتن داستان را از دهه‌ی پیش آغاز کرده بود، در این مقطع با داستان‌های کوتاهی (یادی از گذشته‌های دور، وسعت

و... در نشریه‌ی بازار که در محیط و فضای قهوه‌خانه می‌گذرند، نظرها را به سوی خود جلب می‌کند. «در قهوه‌خانه از همه چیز حرف می‌زنند. هرکسی با زبان خودش. این زبان در قطعه‌ی ادبی جایی نداشت. این زبان جایش در داستان بود. من با نگاه یک شهری، زندگی این آدم‌ها را داستان کردم... من قهوه‌خانه را مرکز زندگی کردم» [۹].

حمید قدیمی حرفه (۱۳۷۲ - ۱۳۱۷) نیز از داستان‌نویسان فعال صفحات ادبی نشریه‌ی بازار است. او با چاپ داستان‌هایی (سمفونی آتش، نگاهی نه به تمامی، سی ساله‌ها و ...) و نیز چاپ آثاری در دو شماره‌ی «از قصه تا شهر»، کتابی که در اواخر دهه‌ی چهل به همت «پیمان جهانبین» در شیراز و هم‌چنین در یکی از شماره‌های لوح که با تلاش هم‌شهری‌اش، «کاظم رضا» منتشر می‌شد، توانست توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را بروز دهد. قدیمی حرفه در داستان‌نویسی به تبعیت از «ارنست همینگوی» به عنصر گفتگو در داستان بیشتر توجه داشت و غالباً در داستان‌های او دیالوگ نقش اساسی در ساخت داستان ایفا می‌کند.

احمد مسعودی دیگر نویسنده‌ی خوش قریحه و نوجویی بود که آثارش را که شامل داستان، نمایشنامه و نقد بود، در این مقطع و در نشریاتی ادبی به چاپ رساند. متأسفانه سکوت، سفر و یا مرگ نابهنگام (؟) او را از عرصه‌ی آثارش به صورت کتاب باز می‌دارد.

مسعودی در سال ۱۳۴۲ با چاپ داستان کوتاه «سایه» در کتاب هفته فعالیت ادبی خود را شروع کرد و با چاپ داستان خوش ساختی همچون «ردپای شب در عمق روز» و «؟ [علامت سؤال]» (بازار / ۱۳۴۵)، «کار» (پیام نوین / ۱۳۴۶)، «وقتی آمدیم سفره پهن کن» (بازار / ۱۳۴۶)، «دندانه‌ی ششم» (لوح / ۱۳۴۷ یا ۴۸) و «دست‌نوشته‌ی بی‌نام» (آیدگان /

۱۳۵۸) نام خود را در حافظه‌ی مخاطبان آثار خلاقه ثبت کرد. از میان داستان‌های کم‌شمار او، داستان «کار» از جایگاه خاصی برخوردار است، چنان که محمدعلی سپانلو در کتاب «بازآفرینی واقعیت»، که مجموعه‌ای است بقاعده از داستان‌های شاخص منتشر شده تا سال ۱۳۴۹، این داستان را نیز برمی‌گزیند و نام احمد مسعودی را در کنار نام و آثار بزرگانی چون آل‌احمد، گلستان، صادقی، ساعدی و گلشیری قرار می‌دهد. او در نقد و نظر خود بر این داستان، می‌گوید: «احمد مسعودی را از میان خیل جوان‌ترها به عنوان نمونه‌ای انتخاب کرده‌ام. نمونه‌ای که به خاطر دقت انشاء و چرخش روان وقایع میان آدم‌های ناجور داستان و ایجاز اعجاز‌آمیزی که در معرفی‌ها به کار برده، مشخص است» [۱۰].

نمایشنامه‌ی استعاری «خر با بار نمک» (فصل‌های سبز / ۱۳۴۷)، «آواز برای باران» (بازار / ۱۳۴۶) و نقد رمان «شوهر آهو خانم» نوشته‌ی علی محمد افغانی (بازار / ۱۳۴۶)، از فعالیت‌های دیگر مسعودی است که موجب گسترده‌تر شدن شهرت او می‌شود.

عباس حاکمی، محمدحسن جهری، امیر منتظمی، کاظم رضا، محمدحسین عباسپور تمیجانی، محمد آقازاده، حسن حسام، محمدرضا پورجعفری، احمد آذرهوشنگ و چند تن دیگر، داستان‌نویسی را در همین دهه آغاز و به رشد کمی و تکامل بیشتر داستان‌نویسی این منطقه کمک می‌کنند.

امیر منتظمی (۱۳۴۵ - ۱۳۱۶) داستان‌نویسی را از دهه‌ی چهل با ماهنامه‌ی بازار ویژه هنر و ادبیات رشت آغاز می‌کند. نخستین داستان‌هایش با عنوان «شاه ماهی» (مهر ۱۳۴۴) و «تصویر خاک» (آذر ۱۳۴۴) در بازار ادبی به چاپ می‌رسند. متأسفانه دوران خلاقیت هنری او دیری نپایید. اما

در همین مدت کوتاه داستان‌هایی تازه و فراموش نشدنی آفرید و به عنوان یک صدای تازه شناخته شد. درباره‌ی زندگی و خودکشی امیر منتظمی اطلاع چندانی در دست نیست. وی با خسرو گلسرخی دوستی نزدیک داشت. منتظمی اگرچه دستی در نوشتن داستان داشت اما علاقه‌ای به چاپ آثارش در مطبوعات نداشت. آن‌طور که از متن نامه‌های گلسرخی (آدینه شماره ۱۳۶، بهمن ۱۳۷۷) به منتظمی برمی‌آید، خسرو گلسرخی تنها خواننده‌ی داستان‌هایش بوده است: «... تو که به کارت اعتماد داری باید همین کافی باشد که نوشته‌هایت بالاتر از سطح به قول بعضی‌ها مطبوعات است بدون تعارف - جدی... مگر دیگران، این‌ها که توی گورستان تغذیه می‌کنند چه هستند که تو نیستی، راه تو راه شاه‌ماهی ست با همان ایهام و گستردگی اندیشه و بیان کمی فیلسوفانه...» و در نامه‌ی دیگر گلسرخی خطاب به منتظمی چنین می‌نویسد: «از نوشته‌هایت چیزی نگفتی، حداقل به خاطر تنها خواننده‌ی صمیمی خود حرفی می‌زدی...».

امیر منتظمی در بهمن ۱۳۴۵، در خیابان بیستون رشت خودسوزی کرد. خسرو گلسرخی در ویژه‌نامه‌ی هنر و ادبیات امروز پرچم خاورمیانه، شماره‌ی تیر ماه ۱۳۴۷، به یاد منتظمی نوشته است: «دوران کودکی منتظمی سرشار از یاد‌های تلخ بود. او قصه‌هایی نوشت که نامش را گذاشت «از کودکی» که از نظر اندیشگی به یکدیگر مرتبط بودند و همه انبوهی از یادآوری‌های تلخ و کودکانه را با خود همراه داشتند. شخصیت‌های نوشته‌ی منتظمی بیشتر آدم‌های خسته‌ای هستند که خستگی را نمی‌خواهند بپذیرند اما به آنان تحمیل می‌شود. او در قصه‌ای، برای آن‌که انسانی را از چاهی نجات دهد دست خودش را از دهانه‌ی چاه به داخل دراز می‌کند و دست کسی را که استمداد می‌کند می‌گیرد و به بالا

می‌کشد، اما قدرتش تحلیل می‌رود و خسته می‌شود و خودش هم به داخل چاه سقوط می‌کند... آدم‌های قصه‌ی منتظمی واخورده نیستند، تلاش دارند و پرتوان هستند ولی مانند را به قیمت از میان بردن دیگری ترجیح نمی‌دهند. تعداد زیادی از قصه‌های منتظمی در دست من است به این امید که در شناختی بیشتر، حرف‌های او را در میان بگذارم و به صورت دفتری چاپش کنم...»

چاپ چند داستان پراکنده منتظمی در مطبوعات نشان می‌دهد که وی، از اصول داستان‌نویسی آگاه بود و آثار مدرن روزگار خود را می‌شناخت و به همین سبب از داستان «شاه‌ماهی»، نوشته‌ای متفاوت و قابل تأمل آفریده است و امروز پس از گذشت نزدیک به پنج دهه از چاپ آن، در بازخوانی‌اش، می‌توان حال و هوای داستان‌های کوتاه همینگوی را یافت. دریغا که نه «امیر منتظمی» ماند تا بیشتر بنویسد و نه «خسرو گل‌سرخ» توانست به وعده‌ی خود وفا کند و داستان‌هایی را که از او، نزد خود داشت به چاپ بسپارد. شخصیت بیشتر داستان‌های منتظمی، آدم‌های بیمارگونه، ناامید و ناتوانی هستند که در تنهایی به سر می‌برند و از همه چیز بیم دارند. اینان موجودات سرخورده‌ای هستند که با اجتماع پیوندی ندارند. دلیل این مردم‌گریزی نیز روشن است: در نظر آن‌ها مردم اجتماع آدم‌هایی نادانند که جز به مسائل پیش‌پا افتاده به چیزی نمی‌اندیشند. جای تردید نیست که منتظمی در داستان‌های نخستینش تا حد زیادی تحت تأثیر هدایت و فضای تاریک آثار اوست. نمونه‌هایی که در این مورد می‌توان ارائه کرد کم نیست، تقریباً تمام داستان‌های چاپ‌شده‌ی او در نشریات، از چنین خصوصیتی برخوردارند. در داستان‌های این دهه که اغلب از دید مردانه به مسائل زنان نگریسته

شده و زن چهره‌ی مستقل خود را کمتر به نمایش گذاشته است، آلیس آرزومانیان، نخستین زن ارمنی نویسنده‌ی [گیلان] و ایران است که در دهه‌ی چهل اثر خود را با نام «همه از یک» (۱۳۴۳) منتشر می‌کند. آرزومانیان اهل گیلان است و داستان کتابش ماجرای زندگی دختری ست (فرانسویس) که در یک خانواده‌ی مسیحی و مرفه (اما متزلزل) زندگی می‌کند.

«آرزومانیان رمان خود را با نوعی بی‌پروایی در توصیف تمنای جسم، و با فضایی متأثر از سینما آفریده است» [۱۱].

در این فرصت شایسته است به عنوان تکمله و متمم مقوله‌ی ادبیات داستانی، از پاورقی‌نویسانی یاد کرد که آثاری از آنان به صورت کتاب یا پاورقی‌های دنباله‌دار در نشریات به چاپ رسیده است.

بزرگترین پاورقی‌نویس این دوره محمدابراهیم زمانی آشتیانی است که پس از سال ۱۳۴۲، ده‌ها اثر در این زمینه منتشر کرده است.

از آن‌جا که غالب این آثار، هرگز از شکل پاورقی خارج نشده و به صورت کتاب مستقل چاپ نگردیده‌اند و بعضاً در تعدادی معدود، آن هم پس از دهه‌ی چهل چاپ شده‌اند و یا دسترسی ما بدان‌ها ممکن نبوده است. بحث درباره‌ی ارزش و کم و کیف این گونه آثار، از حوزه‌ی این اثر بیرون است.

از تیمور گورگین (متولد ۱۳۱۳ آستانه اشرفیه)، پاورقی‌نویس پرکار، آثار بسیاری در روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های پرتیراژ کشور به چاپ رسیده است که تا به امروز به صورت مستقل عرضه نشده‌اند. مجموعه‌ای از شعرها و داستان‌های کوتاه او به نام «تیره روز» (۱۳۳۰) با مقدمه‌ی «سعید نفیسی» منتشر شده است.

هادی طارمی منجیلی هم رمانی تاریخی با نام «خسرو پرویز» در اثبات ضرورت حجاب برای زنان نوشته است که در حدود سال ۱۳۰۵ در نجف به چاپ رسید (عابدینی: ص ۱۸۵).

بی‌مناسب نیست اگر از صادق مهرنوش (یکی از یاران کوچک‌خان و از مبارزان جنگل) یاد شود که اثر او «جنگل» در حد فاصل تاریخ و داستان است. مهرنوش که خود شاهد بسیاری از رویدادهای نهضت جنگل بود، خاطرات و یادداشت‌های خود را به نحوی تدوین کرده که ضمن حفظ خصوصیت تاریخی اثر، از زبانی شبه‌داستانی بهره گرفته است. نویسنده در فضا سازی و ایجاد موقعیت‌های داستانی، در عین تاریخ‌نویسی، خواننده را در شرایط داستانی قرار می‌دهد و با جاذبه‌ی اثرش او را غافلگیر می‌کند. کتاب «جنگل» صادق مهرنوش ابتدا در روزنامه‌ی «فریاد لاهیجان» به صورت پاورقی چاپ شد و پس از آن در مهر ماه ۱۳۳۴ (با سرمایه‌ی نویسنده) و در پنج جلد به صورت کتاب در آمد. وی علاوه بر سردبیری روزنامه سپیدرود، نقاش نیز بود و تابلوهایی از وی بر جای مانده است.

ویژگی‌هایی که برای مقطع ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۸ برشمردیم، در این دهه به گونه‌ای گسترده‌تر ادامه می‌یابند. چنان‌که توجه ویژه‌ای به «واقع‌گرایی» (البته از نوع سوسیالیستی) نشان داده می‌شود، و به تبع آن، زبان نیز متأثر از این گرایش، از کلی‌بافی‌های اولیه بیشتر فاصله می‌گیرد. باورها، رسوم و آیین‌های اقلیمی، هم‌چنین واژگان و اصطلاح‌های گیلکی، خاصه توصیف طبیعت شمال، در آثار این دوره به شکل هنری‌تری آمده‌اند که موجب تشخیص هرچه بیشتر داستان‌نویسی این منطقه می‌شود.

در اینجا باید از مضامین تکراری شماری از این آثار به عنوان شاخص منفی یاد کرد چراکه وحدت موضوع و هم‌سانی سهل‌انگارانه‌ی محتوا

باعث پوک شدن درونه و خالی شدن آثار از خلاقیت‌های بایسته شده است. در این دوره برحسب شرایط و فضای بسته‌ی حاکم بر جامعه، ادبیاتی موسوم به «شکست و گریز» رشد و گسترش پیدا می‌کند و داستان‌نویسی شمال نیز از آن برکنار نمی‌ماند. آثاری که زیر این عنوان طبقه‌بندی می‌شوند، زندگی ملال‌آور انسان‌هایی (قهرمان؟) شکست خورده و تلخ‌اندیش را در محیط و فضایی بی‌نشاط، خالی و بی‌هیجان تصویر می‌کنند. «انفعال» که ویژگی آشکار این گونه آثار است، به روشنی روحیه‌ی روشنفکران و فضای سیاسی - اجتماعی دوره‌ی شکست و گریز (پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) را هم‌چون آئینه‌ای صادق باز می‌تابد.

۱۳۵۸ - ۱۳۴۸

آثار منتشر شده در این مقطع از بسامد بالایی برخوردار است و از یک منظر، با وجود خفقان مستولی بر فضای روشنفکری، نویسندگان شمال موفق می‌شوند اثر یا آثاری را در این دهه چاپ و عرضه کنند. با این همه داستان‌نویسی شمال در این سال‌ها تنها به لحاظ کمی رشد نسبی یافته است. پیش از این، علی مستوفی داستان‌های «خورشید می‌دمد» و «سراب و امید» را در ۱۳۴۹ در مونیخ منتشر می‌کند. به آذین نیز که در دهه‌ی پیش با «مهره‌ی مار» هم‌چنان حضوری درخور داشت، در این مقطع مجموعه‌ی «شهر خدا» (۱۳۴۹) و دو رمان با عنوان‌های «از آن سوی دیوار» (۱۳۵۱) با موضوعی عاشقانه و به شیوه‌ی نامه‌نگاری (epistolary novel) و «مهمان این آقایان» (۱۳۵۷) که شرح و گزارش خاطرات دوران زندان نویسنده (راوی) است را به دست چاپ می‌دهد.

کریم کشاورز نیز از داستان‌هایی که در فاصله‌ی زمانی ۱۲۹۸ - ۱۳۲۰

در مجله‌ی فرهنگ رشت و پیام‌نوبه چاپ رسانده بود، مجموعه‌ای گردآوری و با عنوان «فی مدة المعلوم» (۱۳۵۵) منتشر می‌کند. «این داستان‌ها به خاطر کاربرد هنرمندانه‌ی آداب و رسوم و لهجه‌ی محلی، ارزش اقلیم‌شناختی دارند و توصیفی انتقادی از مناسبات اجتماعی سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰ به شمار می‌آیند.» [۱۲]

در این دوره اکبر رادی مجموعه داستان «جاده» (۱۳۴۹)، که مجموعه‌ای است از داستان‌های چاپ شده در نشریات، منتشر می‌کند. پس از چاپ این مجموعه، رادی فعالیت داستان‌نویسی را به کناری نهاده هم و غم خود را به تمامی متوجه‌ی نمایش و نمایشنامه‌نویسی می‌کند.

حسن اصغری (متولد ۱۳۲۶ بندرانزلی)، دیگر داستان‌نویس پرکار گیلانی است که از نظرگزینش موضوع‌های گوناگون و پرداخت آن‌ها، یکی از نویسندگان جدی اقلیم‌گرای گیلان به شمار می‌رود. او با چاپ نخستین مجموعه قصه‌های خود «خسته‌ها» (۱۳۵۵) و «میراث خان‌زاده» (۱۳۵۶)، گرایش خود را به داستان‌هایی با مضامین سیاسی و اجتماعی «رنالیسم نو» نشان می‌دهد. از میان قصه‌های اصغری که پس از انقلاب در نشریات ادبی به چاپ رسیده است، می‌توان به داستان‌های متعددی در نشریاتی چون چیستا، دنیای سخن، کتاب سخن و جنگ‌های ادبی دیگر اشاره کرد. حسن اصغری، علاوه بر استفاده از مضمون‌های مردمی و اجتماعی در آثارش، در داستان‌های اخیرش «برکه‌ی مانداب» (۱۳۷۹) و «کوهان سیاه و شکوفه بهار نارنج» (۱۳۸۰)، از مضامین نمادین و اسطوره‌بی نیز سود می‌جوید.

ویژگی بارز آثار این دهه پیام انسانی و محتوای اجتماعی آن‌هاست. پرداختن به مضامین و موضوعاتی چون فقر، کارگران و کشاورزان، ستم ارباب و کارفرما، ستم‌پذیری و گاه ستم‌ستیزی رعیت، و به یک تعبیر انتقاد

از اوضاع نابسامان اجتماعی و معیشت نامطلوب انسان‌های بی‌پناه. رنگ‌آمیزی احساسی، توصیف‌های ناتورالیستی، و گرایش به رمانتیسم از دیگر ویژگی‌های این آثار است. هر چند باید اذعان داشت خلق این گونه فضاهای حسی با احساساتی‌گری (sentimentality) دوره‌ی اول بسیار تفاوت دارد.

۱۳۶۸ - ۱۳۵۸

پیروزی انقلاب (۱۳۵۷) و درگیر شدن جامعه با مشکلات بی‌شمار جنگ (۱۳۵۹)، رونق مباحث سیاسی و به دنبال آن رکود هنر و ادبیات در هیاهوی جنگ و معضلات اجتماعی، اقتصادی، و... داستان‌نویسی شمال را چون دیگر نواحی ایران، برای یک دهه دچار رکود و خاموشی می‌کند. با انتشار دوباره‌ی ویژه‌نامه‌ی هنر و ادبیات (مروج نوعی هنر و ادبیات متعهد و مبارز) و دو هفته‌نامه‌ی دامن (با هدف احیای زبان و ادبیات گیلکی) در سال ۱۳۵۸، و انتشار ویژه‌نامه‌های ادبی نقش قلم (۱۳۶۵) و کادح (۱۳۶۶)، در این دهه سه گرایش اصلی نمود پیدا می‌کند:

الف. ادبیات سیاسی و کارگری [۱۳]: روزهای پر تب و تاب انقلاب، زندانیان سیاسی و خاطرات آنان از زندان و مقاومت و شکنجه، نارسایی‌های خانواده‌های زندانیان، تلاش کارگران برای ایجاد سندیکا و شورا و... از جمله سوژه‌هایی هستند که در این دهه بارها و بارها به آن‌ها پرداخته می‌شود. روشن است اقبال موضوعاتی چون زندان، شکنجه، مقاومت و... در این مقطع، ناشی از فراهم آمدن زمینه‌ی مطلوب پس از فروپاشی سانسور و ساواک است. موضوعاتی از این دست که تا پیش از ۱۳۵۷ پرداختن به آن‌ها ممکن و میسر نبود، پس از این تاریخ یکباره رواج و رونق

می‌یابند و نظر نویسندگان بسیاری را به خود جلب می‌کنند.

عمده‌ترین ویژگی این‌گونه آثار، نثر گزارشی و نگاه جانبدارانه‌ی حاکم بر آن‌هاست که اثر را به گزارشی از تقابل زشت و زیبا، خوب و بد، سیاه و سفید تقلیل می‌دهد و متأسفانه کمتر اثری را می‌توان از این میان سراغ گرفت که به‌نوعی دچار این آفت و تبعات آن نباشد. این کاستی از منظر آسیب‌شناسی شایسته‌ی بررسی است و در این مجمل تنها می‌توان به شتاب‌زدگی نویسندگان در برخورد با این موضوعات در فضایی باز اشاره کرد.

مجموعه داستان دو جلدی «ملاقاتی‌ها» (۱۳۵۹) از محسن حسام و «روزهای سیری» (۱۳۵۷)، اثر «عزیز حسینی گوراب‌پسی» از شمار همین داستان‌هاست که درباره‌ی زندانیان سیاسی، و زندگی کارگران بر مبنای باورهای مسلط سیاسی و کارگری نوشته شده است.

ب. ادبیات جنگ: در این دوره بر اثر وقوع جنگ، ادبیاتی موسوم به «ادبیات جنگ»، بخشی از داستان‌نویسی ایران را به خود اختصاص می‌دهد و موضوعات بی‌شماری را در اختیار نویسندگان می‌گذارد. با این همه نویسندگان شمالی به دلیل موقعیت اقلیمی و دوری از جغرافیای جنگ، کمتر به این مورد اقبال نشان داده‌اند. داستان بلند «دعای مرغ آمین» (۱۳۶۰) از سیروس طاهباز و «بمباران» محمود بدرطالعی و تعدادی از قصه‌های «چاپ آخر زندگی» ابراهیم رهبر، و هم‌چنین چند داستان کوتاه که در نشریات محلی به چاپ می‌رسند، نمایندگان این گرایش محسوب می‌شوند.

پ. داستان گیلکی: داستان گیلکی به شیوه‌ی مدرن، از اوان انقلاب اسلامی با ظهور روزنامه‌ی گیلکی‌زبان دامون (۱۳۶۰ تا ۱۳۵۹) پدید آمد و در نشریه‌ی گیله‌وا (۱۳۹۲ تا ۱۳۷۱) رخ کرد و بالنده شد. صفحات این دو نشریه، که هر دو به همت محمدتقی پوراحمد جکتاجی منتشر می‌شوند،

گونه‌ای داستان را معرفی می‌کند که به زبان گیلکی و باگویش‌های نواحی مختلف گیلان نگاشته شده است.

برخی از داستان‌نویسان گیلکی پرداز - پیش‌تر - در حوزه‌ی قصه‌نویسی فارسی فعالیت داشتند و مجموعه داستان‌هایی به زبان فارسی به چاپ رسانده بودند. محمود طیاری، هادی غلام‌دوست، علی قانع و محمدحسن جهری از این دسته‌اند.

از محمود طیاری یک مجموعه داستان به زبان گیلکی با عنوان «پيله برفی سال» (سال برف بزرگ) و هم‌چنین مجموعه داستان «بنفشه گول» (گل بنفشه) از محمدحسن جهرمی در سال ۱۳۸۴ چاپ و منتشر شده است. از گیلکی‌نویسانی که در این دوره آثاری عرضه کرده‌اند می‌توان از: محمود اسلام‌پرست، علی‌رضا بشردوست، مسعود پورهادی، امین حسن‌پور، جواد شجاعی‌فرد، شهرام سببی، رضا شفافی، غلامحسین عظیمی، فرزین فخریاسری و چند تن دیگر یاد کرد. از نویسندگان زن گیلکی‌پرداز هم باید از فرحناز شریفی، نرگس مقدسیان، ناهید فتوحی ابوابی و سمیرا بزرگی و ... نام برد.

نوشتن داستان با مصالحي از این دست کم و بیش پی گرفته می‌شود و جایگاه و مرتبه‌ای را در ادبیات داستانی شمال به خود اختصاص می‌دهد. اما آنچه مسلم است، از این میان اثری هنری که قابلیت طرح در روند داستان‌نویسی ایران را داشته باشد، تا به امروز (۱۳۹۲) به دست داده نشده است و باید منتظر تکامل بیشتر این گونه‌ی داستان‌نویسی بود.

در این مقطع داستان‌نویسان پرکاری چون هادی جامعی، محسن حسام و حسن حسام به اروپا مهاجرت می‌کنند و از آن پس آثار خود را در نشریات اروپایی و مجلات ادبی ایرانیان مقیم خارج از کشور به چاپ می‌رسانند.

نویسندگانی نیز در خارج از کشور آثار خود را منتشر می‌کنند. آثاری چون: «پرنده‌های کوچک بال طلایی من زیر چادر مادر بزرگ» (پاریس، ۱۳۶۷)، «قناری شاعر» (پاریس، ۱۳۶۹)، «تبعیدی‌ها» (رمان، آمریکا، ۱۳۷۴)، «کوچه شامپی‌یونه» (آلمان، ۱۳۹۰) از محسن حسام؛ «باغ‌های تنهایی» (دو داستان بلند، پاریس ۱۹۸۵ م) و رمان «سورة الغرأب» (رمان، پاریس، ۱۹۸۸ م) از محمود مسعودی؛ «رؤیا خوابش نمی‌برد» (داستان کودکان، پاریس، ۱۹۸۶ م)، «خسته‌خانه» (سوئد ۱۹۹۰ م)، «زمانی عاشق بودم» (سوئد، ۱۹۹۲ م) و «خواب پلنگ» (سوئد، ۱۹۹۴ م) از سعید کوشیار پارسی و مجموعه داستان «رخ» (پاریس، ۱۹۸۹ م) و رمان «آه فرشته» (پاریس، ۲۰۰۳ م) از جواد جواهری.

۱۳۶۸ - ۱۳۷۸

سال‌های دهه‌ی شصت، در پی تحولات حاصله از انقلاب و به‌دنبال آن وقوع جنگ - تجربه‌هایی که هیچ‌یک به طور ملموس برای نویسندگان در ادوار پیشین اتفاق نیفتاده بود - با مصائب، تنش‌ها، اضطراب‌ها و برخورد‌های عینی با مرگ و زندگی همراه بود و بینش جدیدی را از زندگی و حیات فردی و اجتماعی به همراه آورد و هنرمندان را وادار کرد با تکاندن غبار از چشم و تغییر نحوه‌ی نگرش به پیرامون خود، برای خلق آثار، به شیوه‌های جدیدی رو آورند [۱۴].

دهه‌ی هفتاد نیز شاخصه‌های مثبت و منفی پایان جنگ را با خود دارد، امکانی فراهم می‌آورد تا نویسندگان، فارغ از مسائل جنگ به تجربه‌های مقطع گذشته بیاورند و دریچه‌های تازه‌ای بر داستان‌نویسی ایران بگشایند. دیگر «گرایش کلی نویسندگان این است که ادبیات را به وسیله‌ی

خود ادبیات توضیح بدهند، نه براساس ارزش‌ها و دیدگاه‌های غیرادبی - آنچه که سال‌های سال ادبیات ما در چنبره‌ی آن گرفتار بود» [۱۵]. اگر مقطع پیشین برای داستان‌نویسی شمال مقطع پر رونقی نبود، دهه‌ی هفتاد از پربارترین مقاطع داستان‌نویسی این اقلیم به‌شمار می‌رود. دهه‌ای که نویسندگان شمالی، همگام با نویسندگان دیگر مناطق، راه‌های تازه را در می‌نوردند و شیوه‌های نویی را تجربه می‌کنند. داستان‌نویسان این دهه، پرتوان و نوجو - و به‌دور از فضای خاص ناشی از جنگ پا به عرصه‌های داستان‌نویسی می‌گذارند و آثاری دیگرگون عرضه می‌کنند و راه‌های نیموده را می‌پیمایند.

جُنگ‌ها و مجلات ادبی آن مقطع، رونق و نشاطی ویژه برای داستان‌نویسی این منطقه به ارمغان می‌آورند. اگر در دهه‌های پیشین، کریم کشاورز، محمدعلی افراشته و محمود اعتمادزاده تنها بودند، در این سال‌ها نویسندگان متعددی نوشتن را به‌عنوان سرنوشت خود برمی‌گزینند. در این دهه، داستان‌نویسی گیلان یک چهره‌ی راه‌گشای خود - بیژن نجدی - را از دست می‌دهد.

بیژن نجدی (۱۳۲۰ - ۱۳۷۶) صدای مشخص و مانای داستان‌نویسی گیلان است و مجموعه داستان او «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» (۱۳۷۳) نقطه‌ی عطفی است در ادبیات داستانی دهه‌ی هفتاد.

در قصه‌های نجدی، حس‌آمیزی، حرکت اشیا و آشنایی‌زدایی در زاویه‌ی دید و روایت به زیبایی به‌کار گرفته شده است. صناعت بدیعی در این داستان‌ها هست که پیش از این، در قصه‌های کوتاه معاصر کمتر به‌کار رفته است. مثلاً حرکت اشیا که گاهی به تشخیص و جاندارگونگی عناصر می‌انجامد به ساختار قصه و القای فضا غنای بیشتری می‌بخشد، و نشر را به

زبانی تصویری نزدیک می‌کند. اما چنان که خود نجدی گفت: «داستان‌نویسی باید مثل زندگی حرکت داشته باشد، در تمامی سطرهای داستان، حتی اشیاء باید در حرکت باشند» [۱۶]. در داستان‌های نجدی این نوع حرکت را به‌خوبی حس می‌کنیم. هر چند مجموعه داستان «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» تنها اثر منتشر شده‌ی نجدی در زمان حیات اوست، اما وی توانست با بهره‌گیری از فرم و زبانی شاعرانه در داستان‌هایش، با همین یک اثر خود را به‌عنوان یکی از چهره‌های مطرح داستان‌نویسی نوین ایران تثبیت کند.

پس از مرگ نجدی، دو مجموعه با نام‌های «دوباره از همان خیابان‌ها» (۱۳۷۹) و «داستان‌های ناتمام» (۱۳۸۰)، از وی به چاپ رسید که توفیق مجموعه‌ی اول را نیافتند.

قاسم کشکولی (۱۳۴۲ / لنگرود) یکی از موفق‌ترین داستان‌نویسان دهه‌ی هفتاد است که با چاپ مجموعه داستان «زن در پیاده رو راه می‌رود» (۱۳۷۸) ظهور نویسنده‌ی خوش‌آیه‌ای را بشارت داد. زبان داستانه‌ی کشکولی، دلچسب و گیراست با نثری شاعرانه و روان با ایجازی درخور، که ساختاری مدرن و گاهی پست‌مدرنیستی حساب شده در آن موج می‌زند. از کشکولی یک داستان بلند با عنوان «ناهید» نیز در سال ۱۳۷۹ منتشر شد که موفقیت مجموعه‌ی نخستین او را در پی نداشت. «بازی مهندسی یک رمان» (۱۳۸۸) اثر دیگر اوست.

نویسندگانی که در این دهه آثارشان منتشر می‌شوند عبارتند از: «مانگدیم و خورشیدچهر» (۱۳۶۹) و «سایه‌های باغ» (۱۳۷۷) از به‌آذین؛ «ردپای زمستان» (۱۳۶۹) و «دهم خرداد پنجاه و دو» (۱۳۷۲) از محمدرضا پورجعفری؛ «یبروج» (۱۳۷۷) از عباس حاکی؛ «آینه و سه داستان دیگر» (۱۳۷۰) و «سیروس در اعماق» (۱۳۷۳) از سیروس

شمیسا؛ «دشمنان جامعه‌ی سالم» (۱۳۶۹) و «تهرانجلس» (۱۳۷۷) از سیدابراهیم نبوی؛ «هفت کوه و هفت دریا آن طرف‌تر» (۱۳۷۱) از موسی علیجانی؛ «رژه بر خاک پوک» (۱۳۷۲) از محمد شمس‌لنگرودی؛ «آنویس» (۱۳۷۴) و «اریاب پسر» (۱۳۷۷) از مهدی اخوان‌لنگرودی؛ «خوندشت» (۱۳۷۴) و «یک زندگی» (۱۳۷۵)، «روز خوش زندگی» (۱۳۷۷) از ناصر وحدتی؛ «سایه‌های اردیبهشت» (۱۳۷۶) از پورویں محسنی آزاد؛ «سنگینی هزاران نسل» (۱۳۷۵) از سعید تغابنی؛ «تشخیص» (۱۳۷۷) و «ابوالهول» (۱۳۷۷) از فرخ لمعه.

۱۳۷۸ - ۱۳۸۸

در این دهه علاوه بر این نویسندگان، داستان‌نویسان جوان و نوجوی دیگری به عرضه‌ی آثاری قابل تأمل می‌پردازند. در این دهه، داستان‌نویسی گیلان دوجهره‌ی راهگشای خود، «محمود اعتمادزاده» و «اکبر رادی» را از دست می‌دهد. «مرگی که می‌تواند معنایی استعاری بیابد؛ نسلی می‌رود و نسل تازه‌ای بار امانت را بر دوش می‌گیرد. نسلی که می‌خواهد "متفاوت" بنویسد و با رمان و داستان کوتاه به پژوهش در ابعاد زندگی و هر دم این زندگی در آینه‌ی واقعیت بپردازد و از طریق تجربه کردن فرم به شناختی تازه از واقعیت برسد» [۱۷].

متأسفانه کمتر نویسنده‌ای از میان این جوانان، موفق به ارائه‌ی اثر به صورت کتاب می‌شود و یگانه مجال و میدان آنان مجلات و جنگ‌های ادبی خاص نشریات منطقه‌ای است که از آن جمله است: کادح ادبی، نقش قلم ادبی، گیل‌وا ویژه‌ی هنر و اندیشه، گیلان‌زمین، پیام‌شمال، هنر و پژوهش، هاتف ادبی، هنر و ادبیات گیلان امروز، آوای شمال و چی‌چی‌نی؛ ویژه‌نامه‌ی ادبیات و

با این توضیح می‌توان به درکی جدید از داستان‌نویسان دهه‌ی هشتاد رسید، چرا که این نویسندگان الزاماً در یک گروه سنی خاص قرار نمی‌گیرند، بلکه دو گروه سنی در میان آنان قابل تشخیص است.

الف. نویسندگانی که بستر فعالیت ادبی‌شان در دهه‌ی هفتاد و حتی پیش از آن شروع شد ولی در اواخر دهه‌ی هفتاد، آثار ادبی خود را منتشر و یا حضور ادبی خود را به اثبات رسانده‌اند، مانند: هادی غلام‌دوست، اکبر تقی‌نژاد، یزدان سلحشور، ساسان رضائی‌راد، حسین مرتضائیان‌آبکنار، حسن فرهنگ‌فر، مه‌کامه رحیم‌زاده و....

ب. داستان‌نویسان جوان که در اواخر دهه‌ی ۷۰ و یا دهه‌ی ۸۰ فعالیت ادبی خود را شروع کردند و اکثر آثار خود را در نشریات ادواری منتشر ساختند. نویسندگانی مانند: علی قانع، کیهان خانجانی، انوش صالحی، حسین رسول‌زاده، حسین نوروزی‌پور، بهناز علی‌پورگسکری، پیام یوسفی و....

ظهور زنان داستان‌نویس از جمله پدیده‌های جالب و درخور توجه دهه‌های ۷۰ و ۸۰ در عرصه‌ی ادبیات امروز شمال است. چهره‌هایی چون زویا پیرزاد، فریده لاشایی، فرخ لمعه، بهناز علی‌پورگسکری، مه‌کامه رحیم‌زاده، گیتا گرکانی، شهلا معصوم‌نژاد، فرحناز شریفی، ناتاشا محرم‌زاده، نینا گلستانی، مریم ساحلی، شهلا شهبانیان، فاطمه رهبر، آیدا مردای آهنی، مژده ساجدین، مریم جوادی و ...

از جمله ویژگی‌های عمده‌ی نویسندگان این مقطع، توجه به مسائل فنی داستان‌هم‌چون ساختار، فرم، طرح و... است، که به این مشخصه باید مضامین بکر، نثر و زبان بدیع را اضافه کرد.

از میان نویسندگانی که در دهه‌ی ۸۰، در ادبیات شمال و به تبع آن در ادبیات داستانی معاصر هوای تازه‌ای دمیدند باید بعضی نام‌ها را به خاطر

سپرد. نام‌هایی چون: بهناز علی‌پورگسگری، حسین مرتضائیان آبکنار، اکبر تقی‌نژاد، فریدون حیدری ملک‌میان، علی قانع، حسن فرهنگ‌فر، کیهان خانجانی، محمد طلوعی و ... که بعضی از این داستان‌نویسان با کتاب‌هایشان در جشنواره‌های ادبی خوش درخشیدند و بعضاً برنده‌ی جوایز ادبی هم شدند. مجموعه‌ی «بگذریم» از بهناز علی‌پورگسگری که در سال ۱۳۸۳ برنده‌ی جایزه‌ی «مهرگان» به‌عنوان بهترین مجموعه داستان شد و در همان سال مجموعه‌ی «سپیدرود زیر سی و سه پل» از کیهان خانجانی نامزد پنجمین دوره‌ی جایزه‌ی ادبی بنیاد گلشیری و تقدیر شده‌ی ششمین دوره‌ی جایزه‌ی «مهرگان ادب» شد، و علی قانع با مجموعه‌ی «مورچه‌هایی که پدرم را خوردند» برگزیده‌ی جایزه‌ی ادبی اصفهان در سال ۱۳۸۵ شد. و رمان «قربانی باد موافق» برنده‌ی لوح تقدیر رمان متفاوت جایزه‌ی ادبی «واو» (۱۳۸۶) و نیز برگزیده‌ی جایزه‌ی ادبی فردا-رمان برتر (۱۳۸۶) شد. «روز هزار ساعت دارد» از فریدون حیدری ملک‌میان نامزد بهترین رمان متفاوت در سال ۱۳۸۷ در جایزه‌ی ادبی «واو» و رمان «بهار ۶۳» نوشته‌ی مجتبی‌پورمحسن کتاب سال نویسندگان و منتقدان مطبوعات در سال ۱۳۸۹ شد. بسیاری از این نویسندگان با نگاه و زبان نو در داستان، پایه‌گذار سبک ویژه‌ای شده‌اند که تشخیص تازه‌ای به ادبیات داستانی گیلان می‌بخشد. نکته‌ی جالب در این میان حضور زنان نویسنده‌ای است که با تکنیک‌ها و مضامین زیبای خود به حضور نویسنده‌ی زن در ادبیات جلوه‌ی پررنگ و متمایزی بخشیده‌اند.

با این تفصیل، ادبیات داستانی شمال هم‌چنان به حرکت پویای خود ادامه می‌دهد و می‌توان امیدوار بود که در سال‌های آتی و دهه‌ی نو، تبدیل به یکی از قطب‌های برجسته‌ی داستان‌نویسی ایران شود. ■

پی‌نوشت

۱. یامین، مسعود. فرهنگ داستان‌نویسان خوزستان، هنر و پژوهش، جلد دوم. ۱۳۷۸.
۲. عناصر اقلیمی و محیطی در داستان‌های اقلیمی شمال، به‌طور گسترده و به شکل‌های گوناگونی چون معتقدات و آداب و رسوم، شکل معماری، پوشش‌ها، مشاغل و حرفه‌ها، مکان‌ها و مناطق بومی، زبان و گویش محلی، طبیعت بومی، صور خیال اقلیمی و تحولات سیاسی - اجتماعی منطقه (نهضت جنگل)، بازتاب یافته است. وجود این گونه عناصر محیطی در داستان‌ها به گونه‌ای است که چهره‌ی آن را از داستان‌های سایر اقلیم‌ها کاملاً متمایز می‌کند. به همین سبب با قاطعیت می‌توان از شاخه‌ای از داستان‌نویسی اقلیمی به نام «شاخه یا حوزه‌ی داستان‌نویسی اقلیمی شمال» در کنار سایر حوزه‌ها سخن گفت.
۳. چراغی، رحیم. سندی از داستان‌نویسی پیش از سیدمحمدعلی جمال‌زاده، هنر و پژوهش، جلد اول ۱۳۷۷.
۴. سپانلو، محمدعلی. نویسندگان پیشرو ایران، نگاه ۱۳۷۴، ص ۸۵.
۵. بسیاری از منتقدان، به اشتباه - و ظاهراً به پیروی از همدیگر، تاریخ اولین چاپ رمان «دختر رعیت» را سال ۱۳۳۱ گفته‌اند. از جمله حسن میرعبادینی (صد سال داستان‌نویسی ایران، ج ۱، ۱۲۸۳: ص ۱۷۶ و ۲۳۷)، عبدالعلی دستغیب (نقد آثار به آذین، ۱۳۵۷: ص ۱۲)، کریستف بالایی (ادبیات نوین فارسی، ۱۳۸۲، ص ۱۶)، حمید عبداللهیان (کارنامه‌ی نثر معاصر، ۱۳۷۹: ص ۱۲۳) و جمال میرصادقی (داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران، ۱۳۸۲ صفحه ۷۹)، فقط دکتر هرمز رحیمیان در کتاب «ادوار نثر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت» (ص ۱۶۹)، و محمدعلی سپانلو در کتاب «نویسندگان پیشرو ایران»، چاپ سوم ۱۳۶۹، صفحه ۱۴۸، سال چاپ این رمان را - به‌درستی - ۱۳۲۷ ذکر کرده‌اند. آنچه سال ۱۳۲۷ را به عنوان تاریخ دقیق چاپ دختر رعیت تأیید می‌کند، علاوه بر وجود تاریخ ۱۳۲۷ بر روی جلد چاپ اول کتاب، گفته‌ی خود به آذین است که می‌گوید: «داستان بلند دختر رعیت در سال ۱۳۲۶ نوشته شد و پس از سالی انتشار یافت». (گفتگوی بهزاد موسایی با محمود اعتمادزاده [به آذین]، مجله فرهنگ توسعه، ۱۳۸۰، سال دهم، شماره ۵۱، صفحه ۶).
۶. امیری، ملک‌ابراهیم. بشنو از نی (مکالمات با اکبررادی)، رشت: هدایت، ۱۳۷۰، ص ۳۵.
۷. بغض شریف یک نویسنده (پرس‌وگو با مجید دانش‌آراسته)، گیلان زمین، دوره‌ی نو: بهار ۷۹، شماره ۱.

۸. میرعابدینی، حسن. صد سال داستان‌نویسی در ایران، تندر، جلد دوم، ۱۳۶۹، ص ۹۱.
۹. گیلان زمین، همان.
۱۰. سپانلو، محمدعلی. بازآفرینی واقعیت، تهران: زمان، ۱۳۴۹.
۱۱. میرعابدینی، حسن. فرهنگ داستان‌نویسان ایران از آغاز تا امروز، تهران: چشمه، ۱۳۸۶، صفحه ۲۵.
۱۲. همان، صفحه ۲۲۸.
۱۳. پیدایش این گرایش در ادبیات داستانی، و رونق و اقبال روزافزون آن، هم‌زمان است با پدیداری مفاهیمی چون سوسیالیسم پرولتاریا، سرمایه‌داری و... در ایران. داستان‌هایی از این دست، رمان کارگری (Proletarian novel)، اغلب در پی تبلیغ و ترویج دیدگاه و بینشی خاص هستند که تمام عناصر داستان را در خدمت خود قرار می‌دهند تا زندگی توأم با فقر، مبارزه‌های دلیرانه، مقاومت سرسختانه و در مواردی حتی مرگ پرافتخار طبقه‌ی فرودست جامعه (رعیت و کارگر و...) را در تقابل با طبقه‌ی فرادست (سرمایه‌دار، مالک، کارفرما و...) به تصویر بکشند. قریب به اتفاق این تصاویر، سیاه و سفید و لاجرم جانبدارانه از کار در می‌آیند و از مرتبه‌ی هنر، به متنی مبتنی بر شعار تقلیل می‌یابند. بیشتر آثاری که نویسندگان شمال از این منظر ارائه کرده‌اند از آفات عمومی و ویژگی‌های منفی‌ای که بر شمردیم مستثنا نیستند؛ و می‌توان گفت که هیچ‌یک از این آثار از غنا و زیبایی نمونه‌هایی شاخص این نوع برخوردار نیستند.
۱۴. جولایی، رضا. قصه‌های کوتاه به معیارهای جهانی نزدیک شده‌است، دنیای سخن، فروردین - اردیبهشت ۱۳۷۲، ش ۵۴.
۱۵. بهارلو، محمد. تنوع در صناعات و سبک، دنیای سخن، اسفند ماه ۱۳۷۰، ش ۴۸.
۱۶. نجدی، بیژن. آن شب هوا پر از کلمه بود، گردون، مهر ۱۳۷۴، ش ۵۱.
۱۷. میرعابدینی، حسن. فرهنگ داستان‌نویسان ایران، تهران: چشمه، ۱۳۸۶، ص ۱۰.